تأثیر وفور منابع طبیعی برعملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه‌یافته: رویکرد پانل GMM

عبداله پورجوان[۱] ابوالفضل شاه‌آبادی[۲] مجتبی قربان‌نژاد[۳] حسین امیری[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۰۶

چکیده

به‌طور بالقوه ثروت منابع طبیعی به ویژه نفت می‌تواند در رونق اقتصادی کشورها بسیار سودمند باشد، اما تجربهٔ اقتصادی گویای آن است که بیشتر کشورهای عمده صادرکننده منابع طبیعی با رشد اقتصادی بی‌ثبات، بیماری هلندی، فساد، حکمرانی ضعیف و توسعهٔ-نیافتگی روبه‌رو هستند. با توجه به نقش حیاتی منابع طبیعی در توسعهٔ، پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به بررسی رابطه آماری بین صادرات منابع طبیعی(به عنوان متغیر جایگزین وفور) و شاخص‌های حکمرانی در کشورهای برگزیدهٔ نفتی و صنعتی طی دورهٔ ۱۹۹۶-۲۰۱۱ می‌پردازد. شواهد آماری مستحکم اثر منفی صادرات منابع طبیعی را بر شاخص حکمرانی، کیفیت مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد

۱. دانشجوی‌دکتری علوم اقتصادی‌دانشگاه شهیدچمران، اهواز (نویسنده مسئول)، Email: Pourjavan1985@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، Email: Shahabadia@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران، اهواز، Email: Ghorbannezhad@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، Email: hossienamiri@gmail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

در کشورهای برگزیده نفتی تأیید می‌کند. اما به دلیل تقویت ساختارها و نهادهای اجرایی، فنی و نظارتی در کشورهای توسعه‌یافته عضو OECD، این ارتباط منفی از استحکام آماری برخوردار نیست و برای همین در این‌باره نمی‌توان با اطمینان اظهارنظر کرد؛از این رو به نظر می‌رسد افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات منابع طبیعی در کشورهای نفتیِ مورد بررسی موجب کاهش پاسخگویی و شفافیت، چرخش مداوم سیاست‌های اقتصادی، گسترش رانت‌جویی، فساد و اقتدارگرایی و تأخیر در نیل به اهداف توسعهٔ اقتصادی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: منابع طبیعی، حکمرانی، کشورهای نفتی و صنعتی، بلای منابع، GMM.

JEL: F10, O13, Q32.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

۱. مقدمه

طی چندین دهۀ گذشته مطالعات بسیاری در مورد نقش منابع طبیعی در توسعۀ اقتصادی انجام شده است. برخی اقتصاددانان نخستین نشانه وفور منابع را بروز بیماری هلندی می‌دانند که از طریق افزایش ساختگی ارزش پول ملی،کاهش قدرت رقابت‌پذیری بخش غیرنفتی و نرخ رشد اقتصادی، کشور را با آسیب روبه‌رو می کند(کروگمن[1]، ۱۹۸۷).

اما نظریه‌های جدید اقتصاد سیاسی بر اهمیت رانت‌جویی(لین و تامل[2]، ۱۹۹۹؛ بلاند و فرانکویز[3]، ۲۰۰۰؛ تارویک[4] ۲۰۰۲؛ هلدر[5]، ۲۰۰۶)، فساد سیاسی و محدودیت مردم‌سالاری و اعتماد اجتماعی(کالستاد و ویگ[6]، ۲۰۱۲) با شیوۀهای حکمرانی ناکارا متمرکز شده‌اند. به‌طور کلی، اثرات وفور منابع طبیعی روی رشد و توسعۀ اقتصادی بسیار متفاوت است و به-شدت به ویژگی‌های خاص نهادی و سیاسی هر کشور بستگی دارد(دانیل[7]، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر، تجربۀ تاریخ اقتصادی جهان طی چنددهۀ گذشته طیف گسترده‌ای از عملکرد توسعۀکشورهای سرشار از منابع طبیعی را نشان می‌دهد(کاربونیر و همکاران[8]، ۲۰۱۱). کشورهای صنعتی مانند نروژ وایالات متحده در تبدیل ثروت ناشی از منابع به رشد و توسعۀ اقتصادی موفق بوده‌اند؛اما دیگراقتصادهای دارای منابع سرشار، ازجمله نیجریه(و حتی ایران)، نتوانسته‌اند برای نیل به توسعۀ اقتصادی،بهره‌برداری درستی از این منابع داشته باشند. برای همین از نظر جایگاه درمیان کشورهای در حال توسعۀ قرار می‌گیرند و در اصطلاح گفته می شود آنها گرفتار بلای منابع[9] شده‌اند(اوتی[10]، ۲۰۰۶).

پژوهشگران زیادی معتقدند کشورهای سرشار از منابع طبیعی نسبت به کشورهای فقیر (از لحاظ منابع طبیعی) به سمت نرخ‌های رشد اقتصادی بی‌ثبات وپایین گرایش

1. Krugman
2. P. R. Lane and A. Tornell
3. J. M. Baland and P. Francois
4. R. Torvik
5. R. Hodler
6. I. Kolstad and A. Wiig
7. Daniele
8. Carbonnier et al,
9. Recourse Curse
10. Auty

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

دارند(ساچز و وارنر[1]، ۱۹۹۵؛ مِهلوم و همکاران[2]، ۲۰۰۶؛ اوتی[3]، ۲۰۰۷؛ کوکسهید[4]، ۲۰۰۷؛ پاپیراکیس و گِرلق[5]، ۲۰۰۴). برخی معتقدند نحوهٔ مدیریت این درآمدها(شیرخانی و همکاران، ۱۳۸۸)، بروزناخشنودی‌های داخلی و اقتدارگرایی و بی‌ثباتی سیاسی(هلدر، ۲۰۰۶)،پیامدهای بیماری هلندی(مینگوی[6]، ۲۰۱۱) و چارچوب‌های نهادی وحکمرانی ضعیف(مهرآرا و کیخا، ۱۳۸۷؛ ابراهیمی و سالاریان ۱۳۸۸؛ مینگوی، ۲۰۱۱) مسیرهای تهدید رشد و توسعهٔ اقتصادی توسط منابع طبیعی به ویژه نفت خام محسوب می‌شوند. در این زمینه اوتی(۲۰۰۷) و بولت و همکاران[7](۲۰۰۵) اعتقاد دارند تفاوت در اندازه و شدت گسترش رانت منابع طبیعی در جوامع می‌تواند در توضیح واگرایی عملکرد توسعهٔ، تفاوت در سطح مردم‌سالاری و کنترل فساد(ویسنته[8]، ۲۰۱۰ و ویلیامز[9]، ۲۰۱۱)، کیفیت مقررات و حتی سیستم قضایی(هلدر، ۲۰۰۶) بین کشورها از اهمیت بسیار برخوردار باشد.

اکنون سؤال این است که آیاوفور منابع طبیعی به ویژه نفت و کانی در کشورهای نفت‌خیز برای این کشورهاهدیه‌ای خدادادی است یااینکه یک نفرین و عامل بازدارندهٔ بهبودحکمرانی به شمار می‌رود؟ بر این اساس هدف مطالعهٔ پیش‌رو تمرکز بر جنبه‌های نهادی بلای منابع طبیعی است. در این مطالعه تأثیرگذاری بالقوهٔوفور منابع طبیعی بر وضعیت حکمرانی کشورهای برگزیدهٔ صادرکننده نفت[10] وتوسعه‌یافته[11] طی دورهٔ ۱۹۹۶-۲۰۱۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.[12] از آنجا که برخی مطالعات تأکید دارند شیوه حکمرانی

1. Sachs & Warner
2. Mehlum et al
3. R. Auty
4. Coxhead
5. Papyrakis & Gerlagh
6. C. Mainguy
7. E. H. Bulte and et al
8. P. Vicent
9. A. Williams

۱۰. عضو سازمان اوپک(OPEC) و خاورمیانه: الجزایر، بحرین، اکوادور، مصر، ایران، اردن، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان، سوریه، امارات، ونزوئلا و یمن.

۱۱. عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه(OECD): استرالیا، اتریش، کانادا، شیلی، جمهوری چک، دانمارک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، نروژ، ترکیه، انگلستان و ایالات متحده.

۱۲. برای مشاهدهٔچکیدهٔ داده‌های آماری کشورهای مورد بررسی، پیوست ۱ را ببینید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

خوب و نهادهای کارآمد از عوامل بسترساز رشد بلندمدت باثبات(فایی‌سا و نیسا[1]، ۲۰۱۰؛ خان[2]، ۲۰۰۷؛ بارو[3]، ۱۹۹۶؛ کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۹؛ شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۰)، رقابت‌پذیری و بهره‌وری (بیجونسکف و مئون[4]، ۲۰۱۰؛ شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۸۹) و پارامترهای اساسی توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی(شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۱) است، بنابراین به نظر می‌رسد بررسی اثر منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی، آشکارابه آزمون فرضیهٔ بلای منابع طبیعی بررشد و توسعهٔ اقتصادی بپردازد.

در ادامه چارچوب نظری و پیشینهٔ پژوهش ارائه می‌گردد. پس از آن روش‌شناسی پژوهش و معادلهٔ اقتصادسنجی تصریح می‌شود. در بخش پنجم به مباحث تکنیکی و تجزیه و تحلیل یافته‌های اقتصادسنجی پرداخته شده و سرانجام در بخش ششم نتیجه‌گیری و چند پیشنهاد سیاستی بیان می‌شود.

۲. ادبیات موضوع

ادبیات اقتصادی پیرامون ارتباط بین نهادها و بلای منابع طبیعی طیف وسیعی از مباحث اقتصاد سیاسی را دربر می‌گیرد. اقتصاددانان بسیاری برای درک بهتر اثرات متقابل و برهم‌کنش نقش فرایند استخراج و بهره‌برداری منابع طبیعی و متغیرهای توسعه‌ای و نهادی بر همدیگر از دیدگاه اقتصاد سیاسی، شاخص‌های مختلف و تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌دهند(کالستاد و ویگ، ۲۰۰۹؛ ویسنته، ۲۰۱۰). به طور کلی سه مکانیسم نظری وجود دارد که اثرگذاری بلای منابع طبیعی را بر پیکرهٔ کشورها مطرح می‌کند: نخستین و باسابقه‌ترین مکانیسم اثرگذاری، فرضیهٔ بیماری هلندی است که از طریق افزایش ارزش پول ملی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری، بر رشد و توسعهٔ اقتصادی اثر منفی می‌گذارد؛ دومین مکانیسم، سرپرستی دولت‌ها بر منابع یا فرضیهٔ مدل‌های اقتصاد سیاسی متمرکز (کمونیستی) است که عدم تخصیص بهینهٔ منابع، پی‌گیری نفع شخصی دولت‌مردان و

1. B. Fayissa and C. Nsiah
2. M. H. Khan
3. R. J.Barro
4. C. Bjørnsko and P. G. Méon

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

مهندسی انتخابات برای بقا در قدرت و غیره بلای آن به شمار می‌رود؛ و سوم، رانت‌جویی یا مکانیسم مدل‌های اقتصاد سیاسی غیرمتمرکز یا مبتنی بر نظام بازار است(کالستاد و ویگ، ۲۰۰۹) که در ادامه پیرامون تبیین اثر سوم متمرکز خواهیم شد.

در چارچوب مدل‌های اقتصادسیاسی مبتنی بر نظام بازار فرایندهای علّی گوناگونی وجود دارد که منابع طبیعی بتواند بر پیامدهای سیاسی و نهادی جامعه تأثیرداشته باشد. از یکسو راس[1](۲۰۰۱) و تارویک(۲۰۰۲) بیان می‌کنند اگر دولت درآمدهای مستقیم وقابل توجهی از استخراج منابع طبیعی به‌دست آورد، ممکن است «اثر رانتی[2]» پدید آید. به اعتقاد راس(۲۰۰۱)این رانت‌هامی‌تواند سه پیامدمهم برای کیفیت نهادها وحکمرانی داشته باشد:

اول، نیاز دولت به مالیات براشخاص کاهش می‌یابد که ممکن است مانع توسعهٔسیستم نمایندگی سیاسی کارا شود (اثرمالیات). به بیان دیگر، به دلیل عدم وابستگی درآمدهای دولت به مالیات شهروندان، پاسخگویی و شفافیت دولت کمتر می‌شودکه به نوبهٔ خود فشار و تقاضا را برای بهبود کیفیت نهادها کاهش خواهدداد. **دوم**، دولت‌ها امکان می‌یابند ازدرآمدهای حاصل ازمنابع طبیعی برای کاهش مخالفت در میان شهروندان استفاده کنند؛ برای نمونه می‌توان به هزینه‌های حمایتی برخی دولت‌ها اشاره کرد (اثر مخارج). این هزینه‌ها به احتمال زیاد برای تعدیل یا سرکوب فشار پنهان ایجاد مردم‌سالاری از سوی شهروندان صرف می‌شود. با وجود این، افزایش هزینه‌های حمایتی می‌تواندفعالیت‌های رانت‌جویی و فساد میان مردم را شتاب ببخشد؛ به‌طوری‌که کارآفرینان تلاش می‌کنند به جای تمرکز مستقیم بر فعالیت‌های تولیدی، رانت‌های مربوط به منابع طبیعی(سهمیه‌ها، پروانه‌ها و امتیازات) را به دست آورند؛ از همین رو رقابت سخت پدیدآمده برای کسب رانت‌های منابع طبیعی، فرصت‌های فراوانی برای فساد سیاسی و اقتصادی به وجود می‌آورد. اثر **سوم** مربوط به دولت است که بااستفاده از درآمدهای ارزی ناشی از فروش منابع طبیعی ازتشکیل گروه‌های اجتماعی با منافع خاص جلوگیری

1. M. Ross
2. Rentier effect

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

می‌کند (اثر تشکیل گروه[1]). از آنجا که این گروه‌های مستقل می‌توانند طرفداران حقوق سیاسی شهروندان باشند، پرداخت وجوه به آنها از سوی حکومت می‌تواند فشارکمتری برای افزایش این حقوق یا بهبود پاسخگویی دولت ایجاد کند(راس، 2001).

به جز اثررانتی، دو مکانیسم علیّتی دیگر بین منابع طبیعی و پیامدهای نهادی وسیاسی درادبیات اقتصاد سیاسی وجود دارد. نخست «اثرسرکوب[2]» مربوط به ثروت طبیعی است. زیرا با منابع طبیعی فراوان، دولت می‌تواند منابع مالی مورد نیاز برای فرونشاندن تقاضای تغییر درنظام سیاسی یا به طور کلی تغییرعملکرد دولت را تأمین کند. کلارک[3](۱۹۹۷) بیان می‌کند دولت‌های ثروتمنداز نظر منابع، بااستفاده ازهزینه‌های بیشتردرامنیت داخلی، می‌توانند از آرمان‌های موجود درمیان شهروندان برای نیل به مردم‌سالاری بیشتر یا نهادها و خدمات دولتی بهتر جلوگیری کنند. در این زمینه نیز برخی اشاره می‌کنند فوران درآمدهای فروش ثروت ملی، ارزش به قدرت رسیدن و حفظ قدرت را در بین دولت‌مردان افزایش می‌دهد و شرایطی را فراهم می‌آورد که سیاست‌مداران بتوانند به آسانی با این درآمدهای سرشار بر پیامدهای انتخاباتی تأثیر بگذارند و اقدام به خرید رأی کنند (ویسنته، ۲۰۱۰، رابینسون و همکاران، ۲۰۰۶).

در مکانیسم دوم، اوتی(۲۰۰۱) و راس(۲۰۰۱) اعتقاد دارند از آنجا که مدیران صنایع بزرگ به واسطه حفظ منافع اقتصادی بنگاه خود و توانایی نفوذ در لایه‌های قدرت، خواهان مشارکت در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی و سیاسی کشور هستند، دولت‌های منابع‌محور ممکن است نوسازی ساختارکلان قتصاد را به تأخیر بیندازند؛ برای مثال اگر عمداً بخش صنعت کشور کوچک نگه داشته شود، به احتمال زیاد سازمان‌های کارگری تأسیس نخواهد شد یا بسیار کوچک خواهد بود و بنابراین تقاضای اصلاحات سیاسی،اثربخشی کمتری خواهد داشت.

1. Group formation effect
2. Repression effect
3. J. Clark

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

در سال‌های اخیر اقتصاددانان ادعا می‌کنند مکانیسم و دامنهٔ اثرگذاری بلای منابع تنها منحصر به عملکرد اقتصادی نمی‌شود، بلکه کشورهای سرشار از منابع طبیعی به طور نسبی تمایل دارند عملکرد بدتری در شاخص رفاه انسانی از جمله امید به زندگی، آموزش، نرخ مرگ‌ومیر کودکان و دیگر شاخص‌های توسعهٔ انسانی به نمایش گذارند(راس، ۲۰۰۱؛ بولت و همکاران، ۲۰۰۵). درمجموع به نظر می‌رسد تنظیمات نهادی وکیفیت حکمرانی درکشورهای سرشار ازمنابع، نسبت به کشورهای تهی از منابع پیچیده‌تر است و درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی دام‌های بسیاری در مسیر توسعهٔ این کشورها گسترانیده است.

۳. پیشینهٔ پژوهش

به طورکلی مطالعات تجربی دربارهٔ مدل‌سازی الگوهای اقتصادسیاسی مبتنی بر نظام بازار را می‌توان به دو شاخه اصلی تقسیم کرد: شاخهٔ نخست اثر وفور منابع طبیعی بر نهادهای مشارکتی و مردم‌سالاری را بررسی می‌کند و شاخهٔ دوم، همبستگی و ارتباط بین وفور منابع و مبارزه با فساد و پدیدهٔ رانت‌جویی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

راس(۲۰۰۱) با یک پانل ۱۱۳ کشوری طی دورهٔ۱۹۷۱-۱۹۹۷ نشان می‌دهد منابع طبیعی به شکل ثروت نفت ومواد معدنی همبستگی منفی بااقدامات مردم‌سالاری دارد. وی همچنین به صورت تجربی درمی‌یابد سه مکانیسم اثر رانتی، اثر سرکوب و اثر تشکیل گروه از پیوند میان نفت و دولت‌های اقتدارگرا پشتیبانی می‌کند. بارو(۱۹۹۹)، اسلکسن[1](۲۰۱۰) و تی‌سویی[2](۲۰۱۱) با استفاده از سنجه‌ها، نمونه‌ها و تکنیک‌های اقتصادسنجی گوناگون نتایج مطالعهٔ راس را مورد تأیید قرار می‌دهند. راس(۱۹۹۹) درمطالعه‌ای دیگرنتیجه می‌گیرد ثروت نفت درکشورهای استبدادی به‌شدت مانع گذار به مردم‌سالاری می‌شود. با اینحال وی تصدیق می‌کنداثرات ضددموکراتیک نفت در طول زمان و در مناطق مختلف بسیار متفاوت است. اونشان می‌دهد دولت‌های اقتدارگرا ممکن است در طول زمان عملکرد اقتصادی نسبتاً خوبی به نمایش گذارند، اما در برخی مناطق خاص مانندآمریکای لاتین به

1. S. Aslaksen
2. K. Tsui

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

دلیل ضعف‌های نهادی نمی‌توان این عملکرد را به طور باثبات نگهداری کرد.

شاخۀدوم ازمطالعات تجربی به بررسی تأثیرمنابع طبیعی برشاخص‌های حکمرانی، مانند فساد و تأمین قضایی می‌پردازد؛ برای مثال آدز و دی‌تلا[1](۱۹۹۹)، تریسمن[2](۲۰۰۰) گوئل و کارونین[3](۲۰۰۹) با تأکید بر نقش منابع طبیعی به صورت تجربی و نظری، عوامل تعیین‌کنندۀ فساد را مورد بررسی قرار می‌دهند.آنها با استفاده از داده‌های مقطعی برای دهۀ ۱۹۸۰یک رابطۀ نزدیک میان صادرات منابع طبیعی وسطح فساد را تأیید کردند، اما شواهد قابل قبولی برای این ارتباط در مطالعۀ مقطعی و پانل دیتای دهۀ ۱۹۹۰ ارائه ندادند. همچنین سرا[4](۲۰۰۶) با استفاده از تجزیه وتحلیل کرانه‌ای و داده‌های دهۀ ۱۹۹۰ نتیجه می‌گیرد هیچ‌گونه ارتباط نزدیکی میان صادرات منابع طبیعی و فساد نمی‌تواند برقرار باشد.

لی‌آیت و ویدمن[5](۲۰۰۲) با داده‌های مقطعی طی دهۀ ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و با استفاده از رویکرد متغیرهای ابزاری، دریافتند صادرات سوخت وسنگ معدن به افزایش فساد منتهی می‌شود. البته این یافته‌ها مخالف نتایج گزارش شده از سوی آدز و دی‌تلا، تریسمن و سرا در دهۀ ۱۹۹۰ است.

سالا-آ-مارتین وسوبرامانیان[6](۲۰۰۳) با استفاده از رویکرد متغیر ابزاری و داده‌های مقطعی-بخشی دریافتند صادرات سوخت و مواد معدنی برشاخص‌های حکمرانی مانند فساد،حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی تأثیر منفی داشته است. باس و گرونیگ (۲۰۱۱) با استفاده از رویکرد پانل برای ۱۲۹ کشور به همین نتیجه می‌رسند. ایشام و همکاران(۲۰۰۵) بین منطقۀ جغرافیایی[7] استخراج منابع (که باهزینه‌های نسبتاً پایین می‌تواند توسط دولت کنترل شود) و همچنین انتشار[8]منابع در یک منطقه جغرافیایی گسترده‌تر(که کمتر توسط دولت کنترل می‌شود مانند مواد غذایی ومحصولات

1. A. Ades and R. Di Tella
2. D. Treisman
3. R. K. Goel and I. Korhonen
4. D. Serra
5. C. Leite and J. Weidmann
6. X. Sala-i-Martin and A.Subramanian
7. Point
8. Diffuse

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

کشاورزی)، تمایز قائل می‌شوند. آنها به وسیلهٔ تحلیل رگرسیون مقطعی نشان می‌دهند مرکز منابع با شاخص‌های حکمرانی همچون حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، فساد و چارچوب نظارتی همبستگی منفی دارند. همچنین بالت و همکاران(۲۰۰۵) با رویکرد روش‌شناسی مشابه، تأثیر منفی مرکز منابع را بر تأمین قضایی (حاکمیت قانون) و اثربخشی دولت را تصدیق می‌کنند.

بی‌هاتاچاریا و هودلر[1](۲۰۱۰) استدلال می‌کنند منابع طبیعی تنها در نظام‌های غیردموکراتیک می‌تواند سطوح فساد را بدتر کند، ولی چگونگی و اندازهٔ این تأثیر به کیفیت نهادهای دموکراتیک بستگی دارد. با اینحال، با ورود متغیرهای مجازی مربوط به ناهمگنی ساختار حکومتی کشورها[2] نتایج برقرارنشد، اما در رگرسیون روش اثرات تصادفی، کماکان ارتباط منفی و معنادار بین منابع طبیعی و فساد پابرجا و مستحکم بود. اسلکسن(۲۰۰۹) نیز بر وجود ارتباط بین استخراج و درآمد نفت‌خام و مواد معدنی با فساد بیشتر تأکید می‌ورزد. اسلکسن برتأثیر نامطلوب نفت بر فساد در هر دو گروه کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک را اذعان می‌کند. ویسنته (۲۰۱۰) نیز شواهدی فراهم می‌آورد که نشان می‌دهد اکتشافات نفت منجر به گسترش بیشتر فساد درارائه طیف گسترده‌ای ازخدمات عمومی همچون خدمات بهداشتی، انتخابات رقابتی، پرداخت تسهیلات یا آموزش همگانی به شهروندان وبه طور کلی تخصیص بهینهٔ منابع منتهی می‌شود.

در مقابل، برونشویلر و بویلت[3](۲۰۰۸) وبرونشویلر[4](۲۰۰۸)این دیدگاه را که فراوانی منابع طبیعی موجب بدتر شدن کیفیت نهادها (و درنتیجه، تأثیر منفی بررشد اقتصادی) می‌شود به چالش کشیدند.آنها استدلال می‌کنند علیّت راه دیگری می‌پیماید، به‌طوریکه نهادهای بد (حکمرانی ضعیف) با عملکرد بالای شاخص منابع طبیعی (مثلاً نسبت صادرات

1. S. Bhattacharyya and R. Hodler

۲. روش اثرات ثابت (Fixed effects)

3. C. Brunnschweiler and E. Bulte
4. C. Brunnschweiler

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

منابع طبیعی به تولید ناخالص داخلی) در ارتباط است.آنها معتقدند شاخص نسبت صادرات منابع طبیعی به GDP باید به عنوان یک جایگزین برای وابستگی به منابع و نه وفور منابع تفسیرشود. آنها کل دارایی‌های منابع طبیعی از جمله سرمایه و ذخایر کشف‌شده نفتی و کانی را ثروت ووفور منابع طبیعی در نظر می‌گیرند و معتقدند این شاخص با شاخص‌های حکمرانی، مانند حاکمیت قانون، فساد و اثربخشی دولت همبستگی مثبت دارد.

٤. الگوی اقتصادسنجی، داده‌ها و روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحلیل آماری و علّی مقایسه‌ای است. در این مطالعه شاخص‌های حکمرانی به عنوان متغیر وابسته و جایگزینی برای توسعهٔ نهادی در دو گروه کشورهای برگزیدهٔ نفتی و توسعه یافته، تابعی از صادرات سوخت به ویژه نفت خام و دیگر کانی‌ها به عنوان متغیر جایگزین وفور منابع طبیعی و دیگر متغیرهای کنترل قرار می‌گیرد. به پیروی از مباحث نظری و تجربی تصریح اقتصادسنجی معادلهٔ بلای منابع به صورت رابطهٔ (۱) خواهد بود که در آن تمامی متغیرها به صورت لگاریتمی لحاظ شده‌اند:

$$GGI_{it} = \alpha_i + \beta_1 GGI_{it-1} + \beta_2 FuelEX_{it} + \gamma' X_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۱)$$

در حقیقت فرم تبعی معادلهٔ:

$GGI_{it} = f(GGI_{it-1}, FuelEX_{it}, GDP\ per\ capita_{it}, Pop_{it}, Free_{it}, OthEX_{it})$ است، بطوریکه GGI_{it} چهار شاخص حکمرانی ($GG_{it}, RQ_{it}, RL_{it}, CC_{it}$)را برای کشور i و دورهٔ زمانی t نشان می‌دهد، α_i اثرات ثابت کشوری یا همان عرض از مبدأهای ویژهٔ هر مقطع است، X_{it} ماتریس متغیرهای کلان و نهادی کنترل (ازجمله درآمد سرانه، اندازهٔ کشور و غیره) و سرانجام ε_{it} به جمله اخلال و پسماندها اشاره دارد.

با توجه به اینکه آمار شاخص‌های حکمرانی پس از سال ۱۹۹۶ از سوی بانک جهانی تولید و منتشر می‌شوند، دورهٔ زمانی مطالعه، محدود به ۱۹۹۶-۲۰۱۱ است.[۱] با توجه به

۱. گستردگی تعریف نهادهای حکمرانی، بانک جهانی را بر آن داشت تا حکمرانی را به شش شاخص تقسیم کند که عبارتند از: ۱) شفافیت و پاسخگویی دولت، ۲) ثبات سیاسی به دور از خشونت، ۳) اثربخشی دولت در خدمات عمومی، ۴) کیفیت مقررات و تنظیم‌گری دقیق، ۵) تأمین قضایی و پشتیبانی از حقوق دارایی‌ها و سرانجام ۶) کنترل فساد و پی‌گیری منافع جمعی. بانک اطلاعات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

هم‌پوشانی بسیار زیاد و همبستگی بالای شاخص‌های حکمرانی با همدیگر(کافمن و کرای، ۲۰۰۹) در اینجا علاوه بر پایبندی به بررسی همهٔ زوایای حکمرانی و ایجاز در سخن، تنها از چهار شاخص زیر به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است:

شاخص کل حکمرانی (GG): میانگین سادهٔ شش شاخص حکمرانی منطبق با تعریف بانک جهانی است که وضعیت کلی حکمرانی را در هر جامعه را ترسیم می‌کند. براساس مفاهیم نظری اقتصاد سیاسی به احتمال فراوان دولت‌هایی که وابستگی شدیدی به درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز دارند (دولت‌های رانتیر) در برابر اقدامات و فعالیت‌های خود پاسخگویی کمتری به شهروندانشان خواهند داشت. بنابراین در این پژوهش برای شناسایی تعیین‌کننده‌های مردم‌سالاری، از این شاخص کلی استفاده شده است. وضعیت شاخص حکمرانی در ایران وضعیت چندان مناسبی ندارد و همواره زیر صفر بوده است. این شاخص از حدود ۱/۰۸- در سال ۱۹۹۶ اندکی بهبود یافت و به ۰/۶۸- در سال ۲۰۰۰ رسید، اما پس از آن دوباره وضعیت این شاخص ضعیف‌تر شد و به حدود ۱/۲- در سال ۲۰۱۰ و ۱/۱۶- در سال ۲۰۱۱ رسیده است. باید یادآور شدعملکرد حکمرانی ایران به همراه لیبی و نیجریه پایین‌تر از متوسط حکمرانی کشورهای نفتی مورد بررسی قرار دارد که ضرورت توجه بیشتر به بهبود حکمرانی در کشور و همچنین این گروه را نمایان می‌کند.

کیفیت مقررات (RQ): توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی شفاف و دوستدار بازار را می‌سنجد. شاخص RQ استحکام و کیفیت بوروکراسی را می‌سنجد که می‌تواند همانند کمینه‌کننده و تکانه‌گیر شوک‌ها و چرخش‌های سیاستی دولت‌ها در اقتصاد عمل کند و موجب افزایش اعتماد مردم و سرمایه‌گذاران به نظام حاکم شود(موسسه توسعه خارجی[1]، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد این موضوع در کشورهای نفت‌خیز که درآمدهای مالیاتی دولت نسبت به درآمدهای نفتی اندک است، بیشتر قابل ملاحظه

شاخص‌های حکمرانی درwww.govindicators.com قابل دستیابی است. هر شاخص تقریباً بین ۳- تا ۳ برآورد می‌شود که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهندهٔ پیامدهای بهتر حکمرانی است(برای مطالعه بیشتر کافمن و کرای (۲۰۰۹) را ببینید).

1. Overseas Development Institute

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

باشد.

تأمین قضایی (RL): این شاخص بر بی‌طرفی سیستم قضایی و دادگاه‌ها، ضمانت اجرای قراردادها و پشتیبانی از حقوق دارایی‌های فیزیکی و معنوی دلالت دارد(کافمن و کرای[1]، ۲۰۱۱). به احتمال فراوان کاستی در نظام قضایی خواه ناشی از عدم پذیرش حاکمیت از سوی مردم و خواه وفور منابع یا هر علّت دیگری باشد، از طریق کاهش انگیزه‌های مولد سرمایه‌گذاری و فعالیت نوآورانه و خلاقانه، رشد و توسعهٔ بلندمدت اقتصادی را به‌شدت آسیب‌پذیر می‌سازد (ODI, ۲۰۰۶).

کنترل فساد (CC): این شاخص بر مبارزه با کاربرد قدرت عمومی و سیاستگزاری برای دستیابی به منافع شخصی برخی گروه‌های دارای نفوذ و نخبگان سیاسی اشاره دارد (کافمن و کرای، ۲۰۰۹). سطح فساد به وسیلهٔ کاستی‌های سیستم سیاسی مشخص می‌شود و فساد مالی (برای مثال درخواست‌ها برای پرداختی‌های ویژه و رشوه‌های مرتبط با پروانه‌های صادرات و واردات، محدودیت‌های ارزی برای شهروندان داخلی یا ارزیابی مالیاتی)، پشتیبانی بیش از حد از منافع گروه‌های صاحب‌نفوذ، انتصاب‌های خویشاوندی و عدم شایسته‌سالاری یا گروه‌های تأمین مالی پنهانی و غیره را در برمی‌گیرد (گوئل و کارهونن[2]، ۲۰۰۹) که همگی پیامدهای زیانبار بسیاری برای رونق اقتصاد در بلندمدت به همراه دارد.

اکنون به معرفی تعیین‌کننده‌های حکمرانی به عنوان کلیدی‌ترین عنصر توسعهٔ و بررسی پدیدهٔ بلای منابع طبیعی می‌پردازیم. عوامل موثر بر نهادهای حکمرانی به شرح زیر هستند:

۱- سهم صادرات سوخت و کانی‌ها به کل صادرات کالا (FuelEx): این متغیر، جایگزینی برای نشان دادن وفور منابع طبیعی در کشورهای مورد بررسی است. اثر مالیاتی صادرات منابع مهمترین مجرای انحراف شاخص‌های حکمرانی و کاهش پاسخگویی دولت به مردم و پیدایش حکومت‌های اقتدارگراست. اقتصاددانان به صورت گسترده از این اثر به نام پدیدهٔ بلای منابع طبیعی یاد می‌کنند. در مطالعات متعدد، از متغیرهای گوناگونی همچون درآمدهای نفتی(مهرآرا و کیخا ۱۳۸۷)، سهم صادرات منابع به GDP

1. Kaufmann & Kraay
2. Goel & Korhonen

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

(برونشویلیر و بولت، ۲۰۰۸)، ارزش واقعی سرانهٔ تولید نفت(کاوالکانتی و همکاران[1]، ۲۰۱۱)، ذخیرهٔ ثروت منابع طبیعی و غیره برای نشان دادن وفور منابع استفاده شده است. با اینحال چون در دههٔ‌های اخیر تأمین انرژی در بازارهای جهانی انرژی اهمیت بسیار زیادی یافته است و از یکسو عرضه‌کنندگان منابع به دنبال افزایش سهم بازاری و درآمد خود و از سوی دیگر تقاضاکنندگان به دنبال یافتن جایگزین‌های ارزان‌تر هستند، در این مطالعه از متغیر صادرات سوخت و مواد کانی به عنوان وفور منابع و سهم بازاری کشورها در بازارهای جهانی استفاده شده است.

۲- درآمد سرانهٔ واقعی (GDP per capita): مطالعات بسیاری تأیید می‌کنند این متغیر نقش بسزایی در بهبود حکمرانی دارد؛ به‌طوری‌که کشورهایی با درآمد و استاندارد زندگی بالاتر ترجیحات قویتری برای توسعهٔ نهادی و شاخص‌های حکمرانی بهتری دارند. به بیان دیگر، کشورهای پیشرفته صنعتی منابع مالی بیشتری برای بهبود مقررات دولتی، مردم‌سالاری و یا مبارزه با فساد دارند. بنابراین انتظار می‌رود اثر آن بر حکمرانی مثبت باشد(کافمن و کرای، ۲۰۰۳).

۳- جمعیت(Pop): در کشورهای بزرگ‌تر از یکسو، دولت‌ها فشار بیشتری را برای ایجاد اصلاحات نهادی لازم متحمل می‌شوند و حتی ممکن است بتوانند منابع مالی بیشتری را در مسیر اصلاحات مورد نظر جامعه تجهیز کنند؛ اما از سوی دیگر، کشورهای بزرگ‌تر با مشکلات بیشتری همچون مشکلات عدم تقارن اطلاعات، هزینه‌های مبادلاتی بالا یا تضادهای نژادی بسیار شدید روبه‌رو هستند که ممکن است از بهبود حکمرانی پیشگیری کند(ناک و آذفر[2]، ۲۰۰۳). با وجود این به دلیل بزرگ‌تر بودن اثر نخست، انتظار می‌رود اثر جمعیت بر وضعیت حکمرانی مثبت باشد.

۴- آزادی‌های مدنی (Free): این شاخص بین ۱ (بیشترین آزادی) تا ۷ (کمترین آزادی) قرار دارد و «آزادی توسعهٔ آرا و عقاید، نهادها و استقلال شخصی بدون هیچ‌گونه دخالتی از سوی دولت» را دربر می‌گیرد که پس از سال ۱۹۷۸ هر ساله توسط مؤسسهٔ

1. T. Cavalcanti and et al
2. Knack and Azfar

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

آزادی[1] تولید می‌شود. انتظار می‌رود گسترش آزادی‌های مدنی به نتایج بهتر حکمرانی منتهی شود؛ زیرا اطلاعات به صورت آسان‌تر در دسترس مردم قرار می‌گیرد. برخی نیز معتقدند مشارکت نهادهای مدنی می‌تواند مانند سیستم کنترل و بازرسی روی فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت‌ها اقدام کند(برونتی و ودر[2]،۲۰۰۳).

۵- سهم صادرات سایر کالاها و خدمات (به جز منابع طبیعی) به کل صادرات (OthEX): به سه دلیل می‌توان انتظار داشت این متغیر با حکمرانی همبستگی مثبت داشته باشد: اول) عوامل اقتصادی در اقتصادهای باز ممکن است به وسیلهٔ تطبیق نهادها و مقررات موفق از تجربهٔ شرکای تجاریشان درس بیاموزند. دوم) رقابت بین‌المللی ممکن است کشورها را مجبور به بهبود ترتیبات قانونی و نهادی کند به گونه‌ای که تولیدکنندگان داخلی بتوانند با کمترین هزینه‌های پولی و زمانی در فضای کسب‌وکار موجود فعالیت کنند. سوم) رانت‌جویی و فساد ممکن است در اقتصادهای باز سخت‌تر باشد، زیرا شرکت‌های خارجی و فراملیتی تعداد عوامل اقتصادی درگیر فعالیت را افزایش می‌دهند(آدز و دی‌تلا[3]، ۱۹۹۹ و ردریک و همکاران[4]، ۲۰۰۴).

به دلیل محدودیت دورهٔ زمانی، این پژوهش یک مطالعهٔ بین‌کشوری است؛از همین رو روش پانل دیتا تکنیک آماری مطلوب خواهد بود. چگونگی انتخاب کشورهای نفتی بر این اساس است که نسبتِ سهم صادرات سوخت به کل صادرات هر کشور کمتر از ۵۰ درصد نباشد. همچنین گروه کشورهای توسعه‌یافته به عنوان یک گروه کنترل مناسب با منابع طبیعی و عملکرد خوب برگزیده شده‌اند تا امکان مقایسهٔ یافته‌ها بین دو گروه فراهم شود. علاوه بر این، دانش اقتصادسیاسی امروز آشکارا بر تأثیر و تأثر متغیرهای توسعهٔ اقتصادی و سیاسی بر همدیگر صحه می‌گذارد و در نتیجه پویایی مدل، پذیرش درون‌زایی متغیرهای توضیحی را گریزناپذیر می‌سازد؛ و از این‌رو برای دستیابی به نتایج قابل اتکا می‌باید از رویکرد متغیرهای ابزاری بهره جست. بر این اساس، این مطالعه برآوردگر پویای

1. Freedom House
2. Brunetti and Weder
3. Ades and Di Tella
4. Rodrik et al.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته[1](GMM) را که توسط بلوندل و بوند[2] (۱۹۹۸) پیشنهاد شده است، به کار می‌برد. برآوردگر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) دارای ویژگی‌های مجانبی مطلوب است که در سال‌های اخیر به صورت گسترده در پژوهش‌های اقتصاد خرد و کلان مورد استفاده قرار می‌گیرد.[3] در این پژوهش برآوردگر دو مرحله‌ای سیستم GMM و تصحیح نمونهٔ محدود ویندمیر[4](۲۰۰۵) استفاده می‌شود.[5]

۵. برآورد و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به اینکه دورهٔ زمانی مورد مطالعه (۱۹۹۶-۲۰۱۱) تقریباً کوتاه و حدود ۱۵ سال است، امکان واگرایی در روند هر یک از متغیرها وجود ندارد. بنابراین انجام آزمون‌های ریشه واحد برای بررسی مانایی متغیرها ضرورت نمی‌یابد. اکنون به تجزیه و تحلیل و تفسیر مهم‌ترین یافته‌های اقتصادسنجی می‌پردازیم.

به‌طور کلی یافته‌های جدول ۱ بیانگر آن است که در گروه کشورهای عمدهٔ صادرکنندهٔ نفت، اثر صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی و توسعهٔ نهادی منفی و به لحاظ آماری معنادار است که منطبق بر یافته‌های سالا_آی_مارتین و سوبرامانیان[6] (۲۰۰۳) و تورویک (۲۰۰۲) است. در واقع یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که یک وابستگی و ارتباط منفی بین وفور و صادرات منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز و شاخص‌های نهادی کیفیت مقررات، سطح مردم‌سالاری و پاسخگویی دولت، ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی، شاخص کنترل فساد و تأمین قضایی و سیستم دادگستری عادلانه درکشورهای عمده نفتی مورد بررسی وجود دارد و هرچه اقتصاد این کشورها بیشتر به فروش منابع طبیعی به ویژه نفت خام وابسته شود، به ترتیب نتایج ذیل را به دنبال خواهد داشت.

---

1. DPD/System-GMM (Generalized Moment of Method)
2. R. Blundell and S. Bond
۱. برای مطالعهٔبیشتر دربارهٔ برآوردگر GMM و مدل‌های پانل پویا، کتاب جانستون و دیناردو (۱۹۹۷) فصل ۱۰ و بالتاجی (۲۰۰۵) صفحات ۱۳۵-۱۶۴ را ببینید.
4. Windmeijer
۷. این برآوردگر به وسیلهٔ کاربرد سطوح باوقفه و تفاضل‌های تأخیری (وقفه‌دار) متغیرهای وابسته و توضیحی به عنوان ابزارهایی برای متغیرهای درونزا با علیّت معکوس سر و کار دارد.
6. Sala-i-Martin and A. Subramanian

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

* هماهنگی و توازن برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری محدودتر شده، و اندک اندک زمینهٔ بروز پدیدهٔ بیماری هلندی و افزایش ارزش پول ملی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را فراهم می‌کند.

* از گسترش مشارکت شهروندان، مردم‌سالاری، انجمن‌های مردم‌نهاد، آزادی‌های مدنی و آزادی بیان جلوگیری می‌شود؛ زیرا از یکسو درآمدهای دولت به مالیات‌ها وابسته نیست و از همین رو نیازی به پاسخگویی در برابر چگونگی هزینه‌کرد آنها احساس نمی‌شود (اثر مالیات) و از سوی دیگر، بخشی از درآمدهای ناشی از فروش ثروت منابع طبیعی به ویژه نفت برای کنترل موج دموکراسی‌خواهی، کاهش فشار اصلاحات سیاسی و سرکوب احزاب منتقد عملکرد دولت‌ها هزینه خواهد شد (اثر سرکوب و تشکیل گروه)؛

* گروه‌های دارای نفوذ سیاسی، سیاستمداران و کارآفرینان به دنبال دستیابی به فرصت‌های رانت منابع طبیعی خواهند بود و رقابت به وجود آمده برای رانت‌جویی در بین مردم منتهی به برون‌رانی[1] فعالیت‌های مولد و گسترش فساد اداری، رشوه‌خواری و اختلاس در جامعه خواهد شد. بنابراین صادرات سوخت‌های فسیلی و مواد کانی به ویژه نفت و گاز موجب افزایش فساد می‌شود (گوئل و کارهونن، ۲۰۰۹)؛

* به دلیل گسترش رقابت در رانت‌جویی و رواج فساد اداری و ناکارایی دستگاه قضایی در پشتیبانی از حقوق مالکیت دارایی‌ها، هزینه‌های مبادلاتی در جامعه افزایش می‌یابد و فضای کسب و کار و سیستم تأمین قضایی کشور آسیب‌پذیر خواهد شد.

1. Crowding out

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

جدول ۱. برآورد معادلات رگرسیونی اثر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی(دوره: ۱۹۹۶-۲۰۱۱)

متغیرهای مستقل	۱۶ کشور برگزیدهٔ عضو سازمان OPEC و خاورمیانه				۱۵ کشور برگزیدهٔ عضو سازمان OECD			
	متغیرهای وابسته							
	LogGG	LogRQ	LogRL	LogCC	LogGG	LogRQ	LogRL	LogCC
سهم صادرات سایر کالاها و خدمات (به جز منابع طبیعی) به کل صادرات (LogNREx)	-۰/۰۱۱° (-۲/۸)	-۰/۰۲ (-۱/۷۲)	-۰/۰۰۲°°° (-۱/۸۸)	-۰/۰۰۴°°° (-۱/۹)	-۰/۰۰۳ (-۱/۶)	-۰/۰۰۶ (-۱/۵۸)	۰/۰۰۰۹° (۱۱/۱)	-۰/۰۱۵ (-۱/۵)
درآمد سرانهٔ واقعی (LogGDPPC)	۰/۰۷۷° (۵/۲)	۰/۲۱° (۳/۱)	۰/۰۰۳°°° (۱/۹۳)	۰/۰۳۲ (۱/۶)	۰/۰۶° (۷/۰۹)	۰/۱۰۳° (۹/۲)	۰/۰۰۲° (۵/۷)	۰/۰۰۹ (۱/۳۷)
جمعیت (LogPoP)	۰/۱۲° (۷/۲)	۰/۲۵° (۴/۷)	۰/۰۰۰۱ (۱/۱۵)	/۰۰۶ (۰/۸۵)	۰/۱۹° (۳/۸۸)	۰/۲۱ (۲/۹)	-۰/۰۲۳° (-۷/۵)	۰/۱۷۱° (۳/۹)
آزادی‌های مدنی (Free)	-۰/۰۰۶° (-۵/۷)	-۰/۰۰۹° (-۳/۹)	۰/۰۰۰۵° (۳/۹)	-۰/۰۰۰۴ (-۰/۲۴)	-۰/۰۰۸° (-۳/۵)	-۰/۰۰۳ (-۰/۸۹)	-۰/۰۰۰۷° (-۱۰/۴)	-۰/۰۰۷° (-۳/۵)
سهم صادرات سایر کالاها و خدمات (به جز منابع طبیعی) به کل صادرات (LogOthEx)	-۰/۰۰۸° (-۷/۱)	-۰/۰۱۳° (-۶/۲)	-۰/۰۰۰۴° (-۲/۹)	-۰/۰۰۲°° (-۱/۹۹)	۰/۰۳°°° (۱/۷۹)	۰/۰۳° (۳/۵)°	۰/۰۰۰۱°°° (۱/۸۱)	-۰/۰۰۱ (-۰/۱۶)
شاخص کل حکمرانی LogGG(-1)	۰/۳° (۱۳/۲)				۰/۰۳°°° (۱/۹۱)			
شاخص کیفیت مقررات LogRQ(-1)		۰/۱۸° (۵/۱)				۰/۰۸۸° (۳/۱)		
شاخص تأمین قضایی LogRL(-1)			۰/۲۲° (۹/۱)				-۰/۰۳ (-۱/۲۸)	
شاخص کنترل فساد LogCC(-1)				۰/۳۹° (۱۰/۲)				۰/۰۸° (۷/۱)
LogCC(-2)				-۰/۱۷° (-۳/۸)				--
آزمون فراشناسایی سارجن: J-Statistic [p-value]	۱۳۶/۱ [۰/۲۴]	۱۳۲/۰ [۰/۳۶]	۱۲۸ [۰/۲۳]	۱۴۲ [۰/۱۴۸]	۱۳۲/۴ [۰/۳۳]	۱۳۸ [۰/۱۹۷]	۱۱۶ [۰/۴۴]	۱۳۰ [۰/۳۴]
آماره آرلانو-بوند[1] AB2[p-value]	۰/۶۷	۰/۱۵۴	۰/۱۹۳	۰/۲۵	۰/۳۷	۰/۱۲	۰/۵۷	۰/۵۳
تعداد مشاهدات	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۰۸	۲۱۲	۲۱۲	۲۱۲	۲۱۲
تعداد ابزارها	۱۴۹	۱۴۹	۱۳۸	۱۴۶	۱۴۲	۱۴۴	۱۲۰	۱۴۲

منبع: یافته‌های پژوهش.

نشانه‌های *، ** و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می‌دهند. متغیرهای مجازی مقاطع در مدل وجود دارد اما گزارش نشده‌اند.

اعداد داخل پرانتز آمارهٔ توزیع t-student و اعداد داخل کروشه ارزش احتمال [p-value] را نشان می‌دهد.

1. Arellano-Bond, 1995

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

در جدول ۱ مشاهده می‌شود اثر نسبت سهم صادرات سوخت و کانی‌ها به کل صادرات بر شاخص کل حکمرانی (GG) و کیفیت مقررات (RQ) کشورهای عضو OECD منفی و بی‌معنا، بر شاخص کنترل فساد (CC) منفی و معنادار و سرانجام بر شاخص تأمین قضایی (RL) مثبت و معنادار است. به همین سبب به نظر می‌رسد نتوان با اطمینان نسبت به اثر وفور منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز بر شاخص‌های حکمرانی این گروه اظهارنظر کرد. با این‌حال برخی مطالعات تصدیق می‌کنند پدیدهٔ بلای منابع طبیعی تنها به کشورهای رو به توسعهٔ اختصاص ندارد و در صورت برنامه‌ریزی نادرست برای این درآمدها، حتی می‌تواند در کشورهای صنعتی نیز نوسان و ریسک‌های نهادی به دنبال داشته باشد(باس و گرونینگ[1]، ۲۰۱۱؛ سالا-آی مارتین و سویرامانین[2]، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه نگرش کشورهای توسعه‌یافته به درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی فرانسلی است و ثروت ملّی قلمداد می‌شود، بخش عمده‌ای از این درآمدها صرف فعالیت‌های نوآورانه و خلاقانه و سرمایه‌گذاری‌های علمی و اقتصادی می‌شود. به نظر می‌رسد همبستگی مثبت صادرات منابع طبیعی و شاخص امنیت قضایی در گروه توسعه‌یافته گواه آشکاری برای تضمین و اطمینان از حقوق مالکیت دارایی‌ها و به ثمر رسیدن فعالیت‌های نوآورانه باشد. از سوی دیگر، کشورهای صنعتی مورد بررسی پس از شوک‌های نفتی اول(۱۹۷۹) و دوم(۱۹۸۳) با هدف کاهش وابستگی به انرژی‌های تجدیدناپذیر، به سمت توسعهٔ فناوری‌های نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله انرژی هسته‌ای حرکت کردند و با توسعهٔ ساختارهای نهادی جامعه و تزریق منابع ارزی ناشی از منابع، زمینهٔ گسترش حقوق مالکیت دارایی‌ها را ایجاد کردند.

در نمودار ۱ رابطهٔ خطی بین شاخص کل حکمرانی و صادرات منابع در نمونه‌ای متشکل از هر دو گروه، همبستگی منفی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. بر اساس نمودار

1. Busse & Gröning
2. Sala-i-Martin and Subramanian

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

زیر، حساسیت (کشش[1]) شاخص کل حکمرانی نسبت به یک درصد تغییر در صادرات سوخت تقریباً حدود ۰/۰۴- درصد است. از همین رو به نظر می‌رسد چنانچه کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی، توسعهٔ اقتصادی خود را بر پایه درآمدهای ارزی ناشی از فروش منابع طبیعی پی‌ریزی کنند، در صورت عدم توجه ویژه به بهبود کیفیت نهادهای سیاسی- اقتصادی، گرفتاری به بلای منابع طبیعی دور از انتظار نخواهد بود. نکتهٔ اساسی این‌که افزایش‌ها و نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی که نوسان درآمدهای ارزی این گروه از کشورها را فراهم می‌آورد، می‌تواند موجب تسریع در بروز نشانه‌های این بلا شود

نمودار ۱. بررسی رابطهٔ خطی شاخص حکمرانی و وفور منابع طبیعی

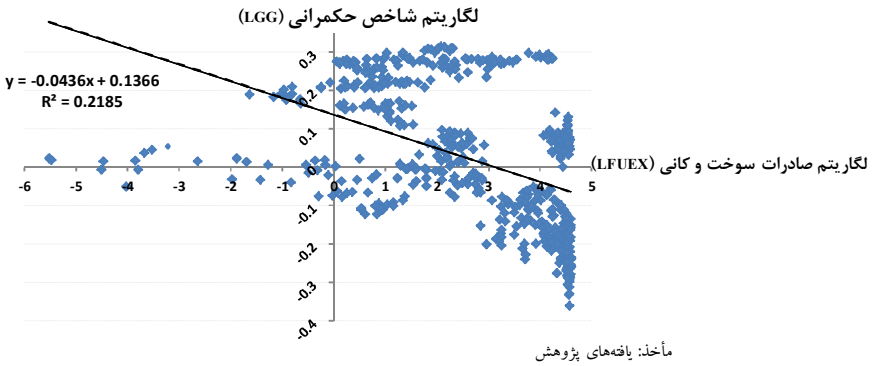

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ضریب متغیر درآمد سرانه بیانگر آن است که افزایش درآمد مردم در کشورهای رو به توسعه، تمایل آنها را به بهبود شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و کیفیت مقررات دولتی افزایش می‌دهد، به‌طوری‌که کشش درآمدی شاخص GG و RQ صادرکنندگان نفت به ترتیب ۰/۰۷ و ۰/۲۱ و به لحاظ آماری معنادار است. با اینحال، ضریب متغیر درآمد سرانه بر شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد منفی و به لحاظ آماری معنادار نیست(به ترتیب

1. Elasticity

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

۰/۰۰۳- و ۰/۰۳-). به نظر می‌رسد این یافته منطبق بر این ایده باشد که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به دلیل نبود چارچوب‌ها و ساختارهای قانونی سالم و کارامد کسب و کار، اصولاً کارگزاران اقتصادی و سرمایه‌گذاران تمایل دارند از راه‌های غیرقانونی و فرایندهای ناسالم همچون دریافت/پرداخت رشوه (اثر رانت‌جویی) فعالیت‌های خود را در حوزهٔ تولید، توزیع و مصرف پی‌گیری کند. بنابراین افزایش درآمد در این کشورها امکان استفاده از مسیرهای غیرقانونی را افزایش و تقاضای برای اصلاحات قضایی و مبارزه با فساد را کاهش می‌دهد. نتایج مربوط به اثر مثبت درآمد سرانه بر GG، RQ، RL و CC کشورهای توسعه‌یافته به لحاظ تئوریک مورد انتظار است و نشان می‌دهد افزایش درآمد در این کشورها تقاضا برای اصلاحات نهادی را در جامعه افزایش می‌دهد.

متغیر جمعیت در گروه صادرکنندگان نفت خام به صورت مثبت و مستقیم با شاخص‌های حکمرانی و توسعهٔ نهادی همبسته است؛ هرچند اثر آن تنها بر دو شاخص GG و RQ معنادار است. به بیان دیگر، در کشورهای نفتی یک درصد افزایش جمعیت به ترتیب در حدود ۰/۱۱ و ۰/۲۵ درصد تمایل مردم را به اصلاحات نهادی کلی و کیفیت مقررات نمایان می‌کند؛ زیرا با توسعهٔ آموزش و سرمایه انسانی، انفجار اطلاعات و شکل‌گیری انتظارات جمعیت بیشتر شده، نسل جوان‌تر این گروه از کشورها، فشار بیشتری برای اصلاحات مورد نیاز جامعه بر حکومت و دولت تحمیل می‌کنند. اما به طور کلی اثر جمعیت بر توسعهٔ نهادی کشورهای توسعه‌یافته تا حدودی با ابهام روبه‌روست. از یک‌سو، اندازهٔ بزرگ‌تر کشور فشار و تقاضای بیشتری برای اصلاحات نهادی از جمله مردم‌سالاری و پاسخگویی(GG)، کیفیت مقررات(RQ) و ایجاد چارچوب‌های کنترل فساد(CC) تحمیل می‌کند؛ زیرا زمینهٔ دستیابی به فرصت‌های برابر را برای تمامی شهروندان این گروه از کشورها تضمین می‌کند. اما از سوی دیگر جمعیت بیشتر، مشکلات اطلاعات نامتقارن و هزینه‌های مبادلاتی را دامن زده، اثر منفی و معناداری (۰/۰۲-) بر تأمین قضایی(RL) خواهد داشت.

گسترش آزادی‌های اجتماعی، توسعهٔ جامعه مدنی و گوناگونی احزاب و انجمن‌ها در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

گروه صادرکنندگان نفت خام با هر چهار شاخص حکمرانی همبستگی منفی و معنادار دارد. از آنجا که قدرت انحصاری فروش و صادرات منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز در اختیار دولت‌های این کشورهاست، منطقی به نظر می‌رسد گونه‌ای از اقتدارگرایی و تک‌صدایی در این کشورها بروز کند که گوناگونی گروه‌های فکری نه تنها وضع موجود را بهتر نکند، بلکه با آماده‌سازی بسترهای تبعیض گروهی و نژادی، جلوگیری از استفاده کارآمد از سرمایه‌های انسانی- فکری- سیاسی- اجتماعی، نفوذ نخبگان در حوزهٔ سیاست‌های اقتصادی به سود گروه‌های صاحب قدرت و همچنین خویشاوندسالاری در شغل‌های کلیدی و حساس در بدنهٔ دولت‌ها توسعهٔ نهادی را به‌شدت محدود و سرکوب نماید(بلانکو و گریئر[1]، ۲۰۱۲؛ کالستاد و ویگ، ۲۰۱۲). همچنین اثر آزادی مدنی بر شاخص‌های حکمرانی در گروه کشورهای توسعه‌یافته منفی و معنادار است. علاوه بر مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد گسترش آزادی‌های مدنی پیش از دست یافتن به سطح مطلوب جهانی مشکلاتی را در بر خواهد داشت؛ زیرا گوناگونی بیشتر احزاب و گروه‌ها و گسترش آزادی بیان به بروز کثرت آرا و باورهای مستقل در این جوامع منتهی خواهد شد که احتمالاً بهبود هر چه بیشتر نهادهای حکمرانی را محدود می‌کند. بر همین اساس نیز بارو (۱۹۹۶) معتقد است اثر آزادی‌های مدنی بر رشد و توسعهٔ جامعه تا حدود زیادی غیرخطی است.

سرانجام، به نظر می‌رسد وابستگی گستردهٔ صنایع پایین‌دستی به حوزهٔ انرژی در کشورهای صادرکنندهٔ نفت، از قبیل عرضهٔ نهاده‌های اولیهٔ ارزان‌قیمت به صنایع پتروشیمی، سیمان و فولاد، واردات گسترده کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از درآمدهای ارزی ناشی از صادرات منابع طبیعی برای حمایت از صنایع داخلی بدون نیّت جذب فناوری سرریزشده و انحراف سیاست‌های اقتصادی (مالی، پولی، ارزی و تجاری) و دستکاری نرخ‌های مالیاتی و تعرفه‌ای، به وابستگی منفی و معنادار صادرات دیگر کالاها به شاخص‌های حکمرانی و توسعهٔ نهادی این گروه منتهی شده است. اما گفتنی است با توجه به خوش‌رفتاری

1. Blanco & Grier

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

سیاست‌های اقتصادی و بسترهای مناسب نهادی، شناخت و استفاده از مزیت‌های نسبی و رقابتی، ایجاد انگیزه‌های کافی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه و مولد و غیره زمینهٔ اثرگذاری مثبت و همسو با صادرات دیگر کالاها بر شاخص‌های حکمرانی را در کشورهای توسعه‌یافته فراهم آورده است. بنابراین انتظار می‌رود قطع وابستگی به حوزهٔ انرژی و اقتصاد تک محصولی، ایجاد گوناگون‌سازی صنایع اقتصادی، نگرش فرانسلی به درآمد ناشی از صادرات و فروش ثروت ملی و رونق صندوق‌های توسعهٔ ملی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، بسترهای گسترش قدرت رقابت‌پذیری اقتصادهای نفتی را ایجاد و در توسعهٔ نهادی جامعه نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

تحت فرضیهٔ صفر آزمون سارجن[1] «فراشناسایی محدودیت‌ها درست است». آمارهٔ این آزمون (J-statistic) دارای توزیع کای‌دو با (p-k) درجهٔ آزادی –به‌طوری‌که p رتبهٔ ماتریس ابزارها و k تعداد ضرایب برآوردی– است. آمارهٔ گزارش‌شده برای همه معادلات تصریحی بیانگر آن است که فرضیه صفر تأیید نمی‌شود و درنتیجه شناسایی محدودیت‌های مربوط به انتخاب ابزارها به درستی انجام شده است. همچنین آزمون AB2 به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «همبستگی مرتبه دوم در پسماندها صفر است». احتمال (p-value) این آزمون گواه آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد همبستگی مرتبهٔ دوم در معادلات تصریحی دیده نمی‌شود.

استحکام یافته‌های رگرسیونی

اکنون برای بررسی استحکام یافته‌های رگرسیونی پانل پویا، نخست میانگین متحرک سه‌سالهٔ شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی را محاسبه و سپس مدل رابرآورد می‌کنیم. هدف این تحلیل سنجش پایداری ضرایب برآوردشدهٔ اصلی (به ویژه متغیر صادرات منابع طبیعی) نسبت به تغییر دورهٔ زمانی است. با توجه به تشابه یافته‌های برآورد مدل میانگین متحرک با نتایج روش پویا، برای رعایت اختصار، در جدول ۲ تنها استحکام آماری مربوط

1. Sargan test

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

به اثر متغیر صادرات منابع طبیعی بر متغیرهای نهادی وابسته گزارش شده است.

یافته‌های آماری جدول ۲ دلالت دارند که شواهد کافی برای نپذیرفتن فرضیهٔ اصلی این پژوهش مبنی بر «تأثیر منفی وفور منابع طبیعی بر توسعهٔ نهادی کشورهای عمده صادرکننده نفت» وجود ندارد. همچنین تطبیق نتایج جدول ۲ با یافته‌های روش پویا در گروه صادرکنندگان نفت، بیانگر آن است که یافته‌های روش پویا از استحکام آماری کافی برخوردار است. البته مورد استثناء رابطهٔ مثبت شاخص تأمین قضایی و صادرات منابع در گروه کشورهای نفتی است که بر خلاف روش پویا مقدار مثبت و معناداری را نشان می‌دهد. لذا انتظار می‌رود درآمدهای ارزی صادرات منابع طبیعی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بتواند موجب بهبود امنیت قضایی و حقوق مالکیت دارایی‌ها شود؛ زیرا به هر حال سیستم قضایی پرتوانی در این کشورها لازم است تا از دارایی‌های نامشروع دولت‌مردان و سیاستمداران که ناشی از فعالیت‌های رانت‌جویی و فساد بدست خواهد آمد، حمایت و پشتیبانی کند. در کشورهای نفتی شدت اثرگذاری درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی به ترتیب بر کیفیت مقررات و سیاست‌های اقتصادی ۰/۱۴-، کنترل فساد و کاهش رانت‌جویی و انحصارطلبی و خویشاوندسالاری ۰/۰۷- و شاخص حکمرانی و پاسخگویی ۰/۰۶- است. اما در کشورهای توسعه‌یافته استحکام آماری همبستگی بین شاخص کل حکمرانی (GG) و کنترل فساد (CC) و صادرات منابع طبیعی منفی و بی‌معنا، بین صادرات منابع و کیفیت مقررات(RQ) منفی و معنادار، و بین وفور منابع و شاخص تأمین قضایی (RL) مثبت و معنادار است. بنابراین نمی‌توان نسبت به اثرات بازدارندهٔ صادرات منابع طبیعی بر وضعیت شاخص‌های حکمرانی این گروه با اطمینان اظهار نظر کرد. در واقع یافته‌های پژوهش پیش‌رو نتایج هیچ‌کدام از مطالعات تجربی را تأیید نمی‌کند و نتایج بینابینی به‌دست آمده که نه مانند مطالعه سالا-آی مارتین و سوبرامانین (۲۰۰۳) اثر منفی و نه مانند مطالعات برونشویلر و بولت (۲۰۰۸)، برونشویلر (۲۰۰۸) و سرا(۲۰۰۶) اثر مثبت را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد نتایج اقتصادسنجی در حوزهٔ بلای منابع طبیعی در کشورهای توسعه‌یافته شدیداً نسبت به متغیرها و شاخص‌های جایگزین وفور منابع طبیعی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

دورهٔ زمانی و تکنیک‌های آماری حساس باشد.

در مجموع به نظر می‌رسد شناخت علمی امکانات و منابع، برنامه‌ریزی و سیاست‌گزاری منطقی، اجرای درست سیاست‌های اقتصادی برای توسعهٔ صنایع بالادستی و پایین‌دستی حوزهٔ منابع طبیعی و انرژی، جدایی از اقتصاد تک‌محصولی و متنوع‌سازی اقتصاد ملی، افزایش صادرات غیرنفتی و قدرت رقابت‌پذیری می‌تواند کشورهای صادرکنندهٔ نفت را از گرفتار شدن در دام بلای منابع مصون بدارد. در این خصوص می‌توان تجربهٔ نروژ و بلژیک را به عنوان نمونه‌های موفق سیاست‌گزاری مرتبط با منابع طبیعی به ویژه نفت نام برد(لارسن[1]، ۲۰۰۵).

جدول ۲. استحکام یافته‌های رگرسیونی میانگین متحرک ۳ ساله

متغیر مستقل	۱۶ کشور برگزیدهٔ نفتی				۱۵ کشور برگزیدهٔ توسعه‌یافته			
	متغیرهای وابسته							
	LogGG	LogRQ	LogRL	LogCC	LogGG	LogRQ	LogRL	LogCC
سهم صادرات سوخت و کانی‌ها به کل صادرات کالا (LogNREx)	−۰/۰۶۶* (−۳/۱)	−۰/۱۳۹* (−۴/۲)	۰/۰۰۷* (۲/۶)	−۰/۰۷۴* (−۲/۷۵)	۰/۰۰۵ (۰/۸۵)	−۰/۰۲۲* (−۲/۸)	۰/۰۰۰۳*** (۱/۸۱)	−۰/۰۱۸ (−۱/۲۴)

منبع: یافته‌های پژوهش

نشانه * و *** بیانگر سطح معناداری ۱ و ۱۰ درصد است و اعداد داخل پرانتز آمارهٔt-student را نشان می‌دهد.

با وجود اینکه برخی مطالعات نشان‌دهندهٔ همبستگی مثبت بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی است(مهرآرا، ۲۰۰۹) اما یافته‌های پژوهش پیشِ روی بیانگر آن است که اثر درآمدهای منابع طبیعی تنها به نرخ رشد اقتصادی کشورها محدود نمی‌شود. در حقیقت وفور منابع نخست به صورت مستقیم بر شاخص‌های حکمرانی و مردم‌سالاری، کیفیت مقررات و سیاست‌های اقتصادی، رانت‌جویی، فساد و سپس به صورت غیرمستقیم بر نرخ رشد بخش‌های مولدتر اقتصاد اثر می‌گذارد. برخلافِ یافته‌های مطالعه مهرآرا(۲۰۰۹) که نتیجه می‌گیرد در دوره‌های انفجار ثروت‌های نفتی، پدیدهٔ بلای منابع در این کشورها روی نمی‌دهد، بایستی خاطرنشان کرد اتفاقاً در دوره‌های موردنظر در کنار افزایش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت که ممکن است موجب بهبود رشد اقتصادی شود،

1. Larsen

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

فعالیت‌های رانت‌جویی، برنامه‌ریزی‌های غیرکارشناسانه و چرخش مداوم سیاستی، فساد، کاهش پاسخگویی و عدم شفافیت مالی دولت گسترش می‌یابد که همگی اثراتِ مخربِ پویا و بلندمدتی برای نیل به توسعهٔ اقتصادی برجا می‌گذارد. از همین رو با اندکی مسامحه می‌توان بیان داشت عملکرد شاخص‌های حکمرانی کشورهای عمدهٔ نفتی مورد بررسی تا حدود زیادی با افزایش صادرات منابع طبیعی به ویژه سوخت‌های فسیلی و کانی‌ها، ضعیف‌تر می‌شود. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر گواه آن است که اثر صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی به عنوان سنجه‌ای از توسعهٔ نهادی و اقتصادی، حداقل در کشورهای نفتی مورد بررسی منفی است.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر بررسی این پرسش است که آیا وفور منابع طبیعی که با شاخص صادرات نفت و گاز، سنگ‌های معدنی و کانی‌ها به صورت درصدی از کل صادرات کالاها نشان داده شده، بلای شیوهٔ حکمرانی و توسعهٔ است یا موهبتی خدادادی؟ بدین منظور برای توسعهٔ از شاخص‌های حکمرانی _مطابق با تعریف بانک جهانی_ استفاده شده است؛ زیرا به استناد مطالعات بسیاری اعتقاد بر آن است که این شاخص‌ها با توسعهٔ همه-جانبه شدیداً در ارتباط هستند. در مدل‌های اقتصادسیاسی مبتنی بر مکانیسم بازار چارچوب‌ها و مکانیسم‌های اثرگذاری وفور و صادرات منابع بر عملکرد حکمرانی و توسعهٔ اقتصادی شامل اثر مالیاتی، اثر رانتیر، اثر مخارج، اثر سرکوب و اثر تأخیری در گسترش صنایع بزرگ می‌شود. کاهش وابستگی بودجهٔ دولت به مالیات‌ها، صرف مخارجی از سوی دولت برای جلوگیری از گسترش موج و فشار دموکراسی و استحکام احزاب مدنی و صنفی، سرکوب مردم و گروه‌های منتقد و ایجاد زمینه‌های گسترش رانت‌جویی مهم‌ترین مسیرهای تضعیف مردم‌سالاری، کیفیت مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد و به‌طور کلی توسعهٔ نهادی جامعه به‌شمار می‌رود.

با توجه به درونزایی و تأثیر متقابل متغیرهای توضیحی مدل و شاخص‌های حکمرانی بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

یکدیگر و همچنین پویایی و تحولات نهادی سریع در کشورهای عمدهٔ نفتی و توسعه‌یافتهٔ برگزیده، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) دارای خواص مجانبی مطلوب است. به طور کلی یافته‌های آماری پژوهش بیانگر آن است که:

– فرضیهٔ صفر مبنی بر اثر منفی صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های کل حکمرانی (GG)، کیفیت مقررات (RQ)، تأمین قضایی (RL) و کنترل فساد (CC) در ۱۶ کشور برگزیدهٔ صادرکنندهٔ نفت طی دورهٔ ۱۹۹۶– ۲۰۱۱ پذیرفته می‌شود. اما دربارهٔ اثر منفی وفور منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی در نمونهٔ ۱۵ کشور برگزیدهٔ عضو OECD نمی‌توان با اطمینان اظهارنظر کرد. زیرا اثر وفور منابع بر شاخص RQ و CC منفی و بر شاخص RL مثبت و معنادار است.

– اثر مثبت درآمد سرانه بر شاخص‌های حکمرانی بیانگر این است که با افزایش درآمد مردم در هر دو گروه، تقاضا برای اصلاحات نهادی مورد توجه خانوارها و افراد قرار می‌گیرد. افزایش جمعیت نیز تقاضا برای بهبود شاخص‌های حکمرانی را در هر دو گروه افزایش می‌دهد. اما گسترش آزادی‌های مدنی در هر دو گروه از کشورها، اثری منفی بر بهبود حکمرانی برجای می‌گذارد و سرانجام، همبستگی بین شاخص‌های حکمرانی و صادرات غیرنفتی در کشورهای عمدهٔ صادرکنندهٔ نفت منفی و در کشورهای توسعه‌یافته مثبت است.

– استحکام یافته‌های آماری نشان می‌دهد فرضیهٔ بلای منابع یا اثر منفی صادرات منابع طبیعی بر حکمرانی در کشورهای عمدهٔ نفتی مورد بررسی با اطمینان بالایی تأیید می‌شود، اما نتایج برای کشورهای توسعه‌یافته مستحکم نیست و یا حداقل با اطمینان نمی‌توان دربارهٔ آن اظهارنظر کرد.

در مجموع به نظر می‌رسد کشورهای صادرکنندهٔ نفتی مورد بررسی با اتکاء به شناخت و برنامه‌ریزی دقیق در حوزهٔ نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی، سیاست‌گزاری علمی و کارشناسانه و پرهیز از چرخش سیاستی، تغییر دیدگاه نسبت به درآمدهای سرشار صادرات انرژی به نگرش ثروت ملّی و فرانسلی، ایجاد صندوق‌های توسعهٔ ملی برای هزینه‌کرد این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

ثروت در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مولد و نوآورانهٔ بخش خصوصی، تقویت پایه‌های مالیاتی، توسعهٔ سیستم قضایی و مبارزه برای پیشگیری از فساد و رانت‌جویی و سرانجام تعیین چشم‌انداز برای کاهش یا قطع وابستگی به درآمدهای حوزهٔ منابع طبیعی از مهم‌ترین پیشنهادات این پژوهش برای استفاده موثر از منابع طبیعی برای نیل به حکمرانی بهتر و توسعهٔ اقتصادی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد(۱۳۸۸). بررسی پدیدهٔ نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکنندهٔ نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن. *فصلنامهٔ اقتصاد مقداری*، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۱، صص ۷۷-۱۰۰.
- بهبودی، داود، اصغرپور، حسین، بهشتی، محمدباقر و محمدلو نویده(۱۳۹۰). مقایسه نقش کیفیت نهادی بر بلای منابع طبیعی در بین کشورهای صادرکنندهٔ نفت خام. *پژوهش‌نامه علوم اقتصادی*، سال ششم، شمارهٔ ۱۱، صص ۱-۲۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبداله(۱۳۹۲). بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی کشورهای برگزیده: مطالعه پانل دیتا. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شمارهٔ ۳۱ و۳۲، صص ۱-۲۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبداله(۱۳۸۹). حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب. *مجله علمی- ترویجی راهبرد یاس*، شمارهٔ ۲۲. صص ۱۲۹-۱۶۸.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبداله(۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعهٔاقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده. *دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال نهم، شمارهٔ ۲، صص ۵۳-۷۵.
- شیرخانی، محمدعلی، براری، اباذر و ,پوزش شیرازی، حسین(۱۳۸۹). تئوری نفرین منابع یا نحوهٔ مدیریت درآمدهای نفتی، مطالعه موردی: مقایسه ایران و نروژ. *فصلنامهٔ سیاست*، دورهٔ ۴۰، شمارهٔ ۲، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه(۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامهٔ مدل‌سازی اقتصادی*، سال دوم، شمارهٔ ۲ پیاپی ۶، صص ۱-۲۴.
- مهرآرا، محسن و کیخا، علیرضا (۱۳۹). نهادها، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دورهٔ ۲۰۰۵-۱۹۷۵: روش پانل هم‌انباشتگی. *فصلنامهٔ اقتصاد مقداری*، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۴، صص ۵۵-۷۹.

- Ades, A. and Di Tella, R. (1999). Rents, competition and corruption. *American Economic Review*, 89(4); 982-993.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

- Aslaksen, S. (2009). Corruption and oil: Evidence from panel data. Mimeo (Working Paper) Available at: http://folk.uio.no/siljeasl/Corruption.pdf. Accessed 28 December 2010.
- Aslaksen, S. (2010). Oil and democracy - More than a cross-country correlation? *Journal of Peace Research*, 47(4); 421–431.
- Auty, R. (2001). The political economy of resource-driven growth. *European Economic Review*, 45(4-6); 839-846.
- Auty, R. (2007). The natural resources, capital accumulation and the resource curse. *Ecological Economics*, 61(1); 627–634
- Baland, J. M. and Francois, P. (2000). Rent seeking and resource booms. *Journal of Development Economics*, 61(2); 527-542.
- Barro, R. (1999). Determinants of democracy. *Journal of Political Economy*, 107(S6); 158- 183.
- Barro. R. (1996). Democracy and Growth. *Journal of Economic Growth*, 1, pp. 1-27.
- Bhattacharyya, S. and Hodler, R. (2010). Natural resources, democracy and corruption. *European Economic Review*, 54(4); 608-621.
- Bjørnskov, C. and Méon, P. G. (2010). The productivity of trust. *CEB Working Paper* No. 10/042, Available at: laep.univ-paris1.fr/SEPIO/SEPIO110208Meon.pdf.
- Blanco, L. and Grier, R. (2012). Natural resource dependence and the accumulation of physical and human capital in Latin America. *Resources Policy,* 37(3); 281-295.
- Blundell, R. and Bond, S. (1998). Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models. *Journal of Econometrics*, 87(1); 115-143.
- Brunetti, A. and Weder, B. (2003). A free press is bad for corruption. *Journal of Public Economics*, 87(7-8); 1801-1824.
- Brunnschweiler, C. (2008). Cursing the blessings? Natural resource abundance, institutions, and economic growth. *World Development*, 36(3); 399-419.
- Brunnschweiler, C. and Bulte, E. (2008). The resource curse revisited and revised: A tale of paradoxes and red herrings. *Journal of Environmental Economics and Management,* 55(3); 248-264.
- Bulte, E. H., Damania, R. and Deacon, R. T. (2005). Resource intensity, institutions, and development. *World Development*, 33(7); 1029-1044.
- Busse, M. and Gröning, S. (2011). ***The resource curse revisited: Governance and natural resources***. Hamburg Institute of International Economics, (HWWI paper 106), Available at: hwwi rohindex.de/uploads/tx.../HWWI_Research_Paper_106.pdf.
- Carbonnier, G., Wagner, N. and Brugger, F. (2011). The impact of resource-dependence and governance on sustainable development. (*CCDP Working Paper*), Available at: *graduateinstitute.ch/.../Working_Paper_8_Web%20version%202.pdf.*
- Cavalcanti, T., Mohaddes, K., & Raissi, M. (2011). Growth, development and natural resources: New evidence using a heterogeneous panel analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(1); 305– 318.
- Clark, J. (1997). Pretro-politics in Congo. *Journal of Democracy*, 8(3); 62-76.
- Coxhead, I. (2007). A new resource curse? Impacts of China's boom on comparative advantage and resource dependence in Southeast Asia. *World Development,* 35(7); 1099–1119.
- Daniele, V. (2011). Natural resources and the "quality" of economic development. *The Journal of Development Studies*, 46(4); 545-573.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

- Fayissa, B., and Nsiah, C. (2010). The impact of governance on economic growth: Further Evidence for Africa. Available at: capone.mtsu.edu/berc/working/Governance_WPS_2010_12.pdf.
- Freedom House (2012). Freedom in the world. Available at: http://www.freedomhouse.org. Accessed 10 May 2012.
- Goel, R. K. and Korhonen, I. (2009). Composition of exports and cross-country corruption. (Institute for Economies in Transition, BOFIT Discussion Papers 5/ 2009). Available at: www.suomenpankki.fi/bofit.
- Hodler, R. (2006). The curse of natural resources in fractionalized countries. *European Economic Review*, 50(6); 1367-1386.
- Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L. and Busby, G. (2005). The varieties of resource experience: Natural resource export structures and the political economy of economic growth. *World Bank Economic Review,* 19(2); 141-174.
- Johnston, J. and Dinardo, J. (1997). ***Econometric methods***. McGraw-Hill Company, Fourth Edition, New York.
- Kaufmann, D. and Kraay, A. (2003). Governance and Growth: Causality which way? - Evidence for the World. in brief, Available at: uoit.ca/sas/governeaceAndCorr/GovGrowth.pdf.
- Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2009). Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators. 1996-2008 (World Bank Policy Research Working Paper 4978).
- Khan, M. H. (2007). Governance, economic growth and development since the 1960s. *DESA Working Paper* No. 54, Available at: www.un.org/esa/desa/papers/2007/wp54_2007.pdf.
- Knack, S. and Azfar, O. (2003). Trade intensity, country size and corruption. Econ. Gov. 4; 1–18. Available at:www.globalsepri.org/UploadPhotos/2008912193211213.pdf
- Kolstad, I. and Wiig, A. (2009). Political economy models of the resource curse: Implications for policy and research. *Occasional Paper*, No. 40, South African Institute of International Affairs (SIIA), Johannesburg.
- Kolstad, I. and Wiig, A. (2009). Testing the Pearl Hypothesis: Natural resources and trust. *Resources Policy*, 37(3); 358-367.
- Krugman, P. (1987). The narrow moving band, the Dutch disease, and the competitive consequences of MRS. Thatcher. Notes on trade in presence of dynamic scale economies. *Journal of development economics*, 27, 41-55.
- Lane, P. R. and Tornell, A. (1999). The voracity effect. *American Economic Review,* 89(1); 22-46.
- Leite, C., & Weidmann, J. (2002). Does moter nature corrupt? Natural resources, corruption, and economic growth. In G. Abed and S. Gupta (Eds.), Governance, corruption, and economic performance (pp. 159-196). Washington, DC: International Monetary Fund.
- Mainguy, C. (2011). Natural resources and development: The gold sector in Mali. *Resources Policy*, 36(1); 123–131.
- Mehlum, H., Moene, K. and Torvik, R. (2006). Cursed by resources or institutions?"*The World Economy*, 29(8); 1117-1131.
- Mehrara, M. (2009). Reconsidering the resource curse in oil-exporting countries. *Energy Policy*, 37(3); 1165-1169.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

- Overseas Development Institute (2006). Meeting the challenge of the 'resource curse' international experiences in managing the risks and realising the opportunities of non-renewable natural resource revenues. Business and Development Performance, London. Available at: *www.odi.org.uk/resources/download/587.pdf*.
- Papyrakis, E. and Gerlagh, R. (2004). The resource curse hypothesis and its transmission channels. *Journal of Comparative Economics*, 32(1); 181–193.
- Robinson, J. A., Torvik, R. and Verdier, T. (2006). Political foundations of the resource curse. *Journal of Development Economics*, 79(2); 447-468.
- Rodrik, D., Subramanian, A. and Trebbi, F. (2004). Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, 9(2); 131-165.
- Ross, M. (2001). Does oil hinder democracy?"*World Politics*, 53(3); 325-361.
- Ross, M. (2009). Oil and democracy revisited. Mimeo (Working Paper), Available at:http://www.sscnet.ucla.edu/polisci/faculty/ross/Oil%20and%20Democracy%20Revisited.pdf.
- Sala-i-Martin, X. and Subramanian, A. (2003). Addressing the natural resource curse: An illustration from Nigeria. *NBER Working Paper* 9804.
- Sachs, J. and Warner, A. (1995). Natural resource abundance and economic growth. *NBER Working Paper* 5398.
- Serra, D. (2006). Empirical determinants of corruption: A sensitivity analysis. *Public Choice*, 126(1); 225-256.
- Torvik, R. (2002). Natural Resources, rent seeking and welfare. *Journal of Development Economics*, 67(2); 455-470.
- Treisman, D. (2000). The causes of corruption: A cross-national study. *Journal of Public Economics*, 76(3); 399-457.
- Tsui, K. (2011). More oil, less democracy: Evidence from worldwide crude oil discoveries. *Economic Journal*, doi: 10.1111/j.1468-0297.2009.02327.x.
- Vicente, P. (2010). Does oil corrupt? Evidence from a natural experiment in West Africa. *Journal of Development Economics*, 92(1); 28-38.
- Williams, A. (2011). Shining a light on the resource curse: An empirical analysis of the relationship between natural resources, transparency, and economic growth. *World Development*, 39(4); 490–505.
- Windmeijer, F. (2005). A finite sample correction for the variance of linear efficient two-step GMM estimators. *Journal of Econometrics*, 126(1); 25-51.
- World Bank (2012). World development indicators. Available at: http://data.worldbank.org/data catalog. Accessed 20 May 2012.
- World Bank (2012). World Governance indicators. Available at: http://data.worldbank.org/data catalog. Accessed 20 May 2012.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]

پیوست ۱. نام کشورها و چکیده داده‌های آماری آنها

کشورهای برگزیدهٔ صادرکنندهٔ نفت				کشورهای برگزیدهٔ عضو OECD			
ردیف	**نام کشورها**	**میانگین شاخص کل حکمرانی**	**میانگین سهم صادرات سوخت به صادرات کالاها**	**ردیف**	**نام کشورها**	**میانگین شاخص کل حکمرانی**	**میانگین سهم صادرات سوخت به صادرات کالاها**
۱	الجزایر	-۰/۹۶	۹۶/۶	۱	استرالیا	۱/۵۶	۲۳/۶
۲	بحرین	۰/۲	۴۴/۱	۲	اتریش	۱/۶	۲/۵
۳	اکوادور	-۰/۶۸	۴۵/۹	۳	کانادا	۱/۶	۱۷/۲
۴	مصر	-۰/۴۶	۴۱/۵	۴	شیلی	۱/۱۴	۱/۱
۵	ایران	-۰/۹	۸۰/۳	۵	جمهوری چک	۰/۸۳	۳/۱
۶	اردن	۰/۰۵	۰/۳	۶	دانمارک	۱/۷۷	۶/۷
۷	کویت	۰/۳	۹۱/۹	۷	فرانسه	۱/۲۲	۳/۱
۸	لیبی	-۱/۰۸	۹۲/۹	۸	آلمان	۱/۵	۱/۷
۹	نیجریه	-۱/۱۶	۹۵/۵	۹	ایتالیا	۰/۷۶	۲/۶
۱۰	عمان	۰/۳۶	۸۱/۹	۱۰	ژاپن	۱/۰۸	۰/۸
۱۱	قطر	۰/۴۲	۸۷/۷	۱۱	مکزیک	-۰/۰۵	۱۱/۷
۱۲	عربستان	-۰/۶۷	۸۹/۱	۱۲	نروژ	۱/۶۶	۶۰/۵
۱۳	سوریه	-۰/۸۸	۵۹/۳	۱۳	ترکیه	-۰/۱۸	۲/۶
۱۴	امارات	۰/۴۷	۸۰/۹	۱۴	انگلستان	۱/۵	۸/۷
۱۵	ونزوئلا	-۰/۸۵	۸۵/۵	۱۵	ایالات متحده	۱/۳۵	۳/۱
۱۶	یمن	-۰/۹۹	۹۳/۷				

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1393.4.16.3.2]